



۲۰۱۸/۰۶/۱۵

صلاح الدین سعیدی

چه کسانی خائن اند و چرا؟



شناخت متخلف، شناخت خائن، شناخت مرض، مرحله و انکشاف آن، شناخت توان و قوت جسم مریض، شناخت عوامل مشکل، درک و شناخت از عوامل عینی حالت ناپسند، حد اقل شناخت ناپسند، تخلف و جزاء ضرورت است اما لذت ندارد.

اینکه انسان این اشرف المخلوقات مرتکب دروغ، خیانت، جفا، دیده درایی، در جان بزن، بلند پروازی، برتری جویی، اعمال فاشیستی، تفرقه افگنی، فتنه گری، رشوت ستانی و خیانت می شود، شناخت و برملا کردن حقایق در مورد این تخلفات ضرورت، رسالت و عبادت است، اما جزا و تطبیق جزا باز هم از یک طرف ضرورت اما نباید خوش آیند و نباید لذت بخش باشد و در واقعیت نیست.

بلی دیدن تراژیدی انسان این حالت و شناخت این تخلفات و تراژیدی انسانی در کل نباید لذت داشته باشد و ندارد.

این حالت که انسان چنین ذلیل، خائن، متخلف و گنهکار است موجب تأثر و ملالت قلب انسان شده و بر حال متخلف متأسفیم که چرا انسان باید چنین ذلیل شود؟

اما حقایق را درک کردن، خود و اطراف خود را عینی بررسی کردن و از آن آموختن، تأکید نادرست، گذشته را صلوات نه کردن، گذشته را نه برای انتقام، بلکه برای آینده، آموزش و عدم تکرار اشتباه، به خاطر داشتن، خود و دیگران را به حقایق و منطق آن آشنا ساختن و درین فرصت کوتاه انسانی ای که داریم از تخلف توبه و پشیمانی واقعی کردن و در اصلاح به آنچه ممکن است، پرداختن، رسالت، وجبیه و کار اسلامی، انسانی و شرافتمندانه و شجاعت هم است. در زندگی هر یک از ما لحظاتی وجود دارند که اگر بار دیگر چانس می داشتیم آنرا در زندگی و اعمال خود دیدن نمی خواستیم و نمی خواهیم.

اما بحث امروز ما؟؟؟

چه کسانی خائن، متخلف و در بر اندازی عزت، افتخار و براندازی آبروی وطن عزیز ما افغانستان و افتخارات مردم ما مصروف اند و چرا؟

علت چه باشد که ما به شخص، هویت، تاریخ، عزت النفس، افتخارات، منسوب بودن به خانواده و فامیل بزرگ این سرزمین و خطه قایلیم و وی این همه را رد خود را حقیر می سازد.

پرداختن به جزئیات، دادن مثال های مشخص و زنده از تجارب و شناخت شخصی خود آنقدر وسیع است که اگر به صورت مشخص بپردازم سیر و پودینه دهها "پدرام" و "منصور" و تاجران قوم و سمت، تاجران خون و اشک ملت و تاجران زبان مستند بیان افشاء خواهد شد.

اینکه این خائنین و جنایت کاران در لباس احزاب و سازمان های حاکم در ۴ دهه اخیر عمل کرده و عده ای شان خود رسماً اعتراف دارند (من در تشکیل عضوی "حزب د. خ. ا." بوده اما در عمل وحدتی ام، من از خانواده جمعیت ام، من همسنگر آن قهرمان و . . ام). پرداختن به این بحث طویل از حوصله خواننده بالاتر و قلم کوتاهی کرده و مؤثریت کار را پائین خواهد آورد .

خلص اینکه این گروه ها و افراد خائن که اکثر از تاریخ و عزت کشور خویش افغانستان خبر ندارند، عده ای از ایشان بیشتر از جمله و در بین کسانی اند که از کودکی در کشورهای با محتوی دسی و محیط افتخارات دیگران و توهمین افغان و سوء استفاده از مجبوریات ها خاصاً ایران و پاکستان تولد و بزرگ شده اند، از دین و مذهب خویش بنا بر عوامل و تحت تأثیرات دیگران یا افراطی و یا به نحوی در ظاهر غیر موجه و یا در ظاهر هم موجه و عوامل دیگر و مختلف روگردان اند، عده ای شان از نسل های مهاجرین و عده ای دیگری مستقیماً اتباع خارجی و مجهول الهویه و اما به زور میدیای حاکم در افغانستان افراد مؤثر سیاسی افغان شده اند و عده ای دیگر نوکر زر خرید، عمیل و اجیر بالمقطع، روز مزد و اجاره کاران دشمن اند. بردن افغانستان از یک بحران به بحران دیگر نیز تصادفی نیست. پرداختن به هر یک از این حالات مشخص و مستند، باز هم بحث ما را طویل می سازد.

حاکمیت کابل در طول حد اقل ۱۸ سال گذشته اینجا و آنجا کوشش دارد برنامه استفاده مؤثر از آب، معدن، جنگل، برنامه ملی تذکره، تمامیت ارضی و تقویت نیروهای امنیتی و توسعه راه های مواصلاتی، تلاش برای رهایی از وابستگی به پاکستان و ایران را روی دست دارد.

حاکمیت کابل دارد با افشای چهره دشمن اینجا و آنجا قادر به پاستاد شده، امریکا، روس، چین، هند، پاکستان، سعودی و ایران با کشورهای عربی، شیعه و سنی به دست عده ای در جهان باهم پرابلم دارند و به پرابلم انداخته شده اند. پاکستان دیگر به شکل سابق، سیاسیون جهان و افغان را فریب داده نمی تواند،

آنکه از دین اسلام خارج شده و مستقیماً توان تبارز را ندارد و عده ای شان خود را در تحت نام جامعه معدنی و آزادی بیان قلابی پوشانده اند، و بالاخره آنکه از لحاظ تاریخی، تاریخ گذشته و معاصر ضرب مشت افغان و خاصاً زور مشت افغان را از مناطق معین افغانستان بیشتر خورده، نوکران زور و زر و . . همه به هم به صورت آگاهانه و غیر آگاهانه دست به دست هم داده و در براندازی افغانستان، نام و عزت این مردم و این کشور کار منظم، سیستماتیک و دوامدار پروژوی را روی دست دارند.

به یقین و توکل به الله تعالی گفته و تأکید داشته می توانم و دارم که تمام این متخلفین و کار شان به یقین نقشی بر آب شدنی است و ان شاء الله می شود.

این در عالم اسباب زمانی ممکن است که از سیاست به من چه؟ خارج شویم، تا خود را از دسایس و لبه تیز تیغ دشمن، برنامه های خائنانه عیار و کابل پرس و دسایس عمال مسلط در حاکمیت و در حاکمیت افغانی نترسیم، دل به مال و متاع غرور دنیایی نبندیم و با وجدان بیدار ادای رسالت کنیم. به یقین اکثریت قریب به اتفاق این جامعه که نه خائن و نه متخلف و نه حامیان شان اند، ضرورت دست به دست دادن هم دارند.

ضرورت است، مریض و معذور را تنویر و تداوی حوصله مندا نه نموده و از صفوف خیانت خارج و یا حد اقل در حقش به اصطلاح کردن خلاص کنیم.

بر ماست تا مأمور و مزدور را بی رحم افشاء و تجرید کنیم .

خائنین دروغگو و حقه باز اند!

دروغ و خیانت قوت ندارد و این طلسم را باید شکست!

بر ماست تا جایگاه و حق خود و دیگران را بشناسیم و از بیان حق و ادای رسالت، تا دیر نشده، غافل نماییم!



وما علينا الا البلاغ المبين (۲۰۱۸/۶/۱۳)